



بحران محیط زیست و مواجهه اخلاقی انسان با طبیعت

سیدمحمدرضا بهشتی با اشاره به مواجهه‌های متفاوت انسان با طبیعت از رویکرد معرفتی تا تکنیکی گفت: این نوع مواجهه‌ها در دهه‌های اخیر به علت بحران زیست محیطی به مواجهه اخلاقی تبدیل شده است.

سیدمحمدرضا بهشتی با اشاره به مواجهه‌های متفاوت انسان با طبیعت از رویکرد معرفتی تا تکنیکی گفت: این نوع مواجهه‌ها در دهه‌های اخیر به علت بحران زیست محیطی به مواجهه اخلاقی تبدیل شده است.

سیدمحمدرضا بهشتی به گزارش ایگنا، سیدمحمدرضا بهشتی، استاد دانشگاه تهران، شامگاه ۲ آذر در همایش «زیست عقلانی» که به مناسبت روز جهانی فلسفه از سوی دانشگاه خاتم برگزار شد، گفت: رابطه انسان با طبیعت رابطه بسیار دیرینه‌ای است و انسان در بستر طبیعت پا به وجود نهاده و نخستین کوشش انسان در طبیعت کسب معرفت و شناختی در قبلا طبیعت بود. زندگی و شرایط آن طبیعتاً سؤال برانگیز است و شرایطی که انسان در آن با اموری روبه‌رو می‌شود که بدیهی تلقی نمی‌شوند مبدأ پرسش خواهند شد. انسان در اینجا تبیین‌کننده طبیعت است، خواه این تبیین اسطوره‌ای، فلسفی یا علمی باشد.

وی با بیان اینکه انسان از این منظر تماشاگر جهان و آئینه‌ای برای بازتاب جهان به منظور شناخت خود است، افزود: با پیدایش علم تجربی این رابطه از بازتابی به رابطه فعال تبدیل شد. این موضع، نظری بود که سابقه چند هزار ساله دارد و با پیدایش علوم تجربی امکان بزرگ دیگری در اختیار انسان قرار گرفت و آن امکان دانش تکنیکی و صناعی است. انسان بعد از نسبت گرفتن معرفتی با طبیعت به سراغ نسبت گرفتن تکنیکی و صناعی رفت؛ امروز با وضع بی سابقه‌ای در رابطه یکی از موجودات طبیعت روبه‌رو هستیم که نقش خود را به نحو بسیار پررنگی به طبیعت زده است. موضع دیگر در مواجهه انسان با طبیعت، زیباشناسانه بود؛ بعدها این پرسش ایجاد شد که در مقایسه بین زیبایی طبیعی و مصنوعی کدام برتری دارد و کدام می‌تواند برای دیگری الگو باشد و در کدام یک، ما نقش انسان را پررنگ‌تر می‌بینیم. کسی مانند کانت زیبایی طبیعی را ترجیح داده است، ولی از نظر هگل، این رابطه معکوس می‌شود.

استاد دانشگاه تهران اظهار کرد: موضع جدیدی به نام موضع اخلاقی و حقوقی در قبال طبیعت سبب شده است که فضای فلسفی به خصوص کشورهای صنعتی در چند دهه بیشتر مشغول آن باشند. حوزه اخلاق از قدیم به رابطه انسان‌ها و جوامع انسانی با همدیگر معطوف بوده، ولی اینکه انسان با طبیعت نسبت اخلاقی برقرار کند پدیده جدیدی است و علت آن بحران محیط زیست و نقش تخریبی انسان در قبال طبیعت بود.

بهشتی بیان کرد: این تفکر که ما طبیعت را به منزله انسانی از مواد و نیروها می‌دیدیم، سبب شده بود تا نیندیشیم که ممکن است روزی با کمبود مواد غذایی مواجه شویم، ولی قدرت تصرف بشر این تفکر را ایجاد کرد که ما باید نوعی رابطه با طبیعت داشته باشیم که بتواند حیات و بقای انسان را تأمین کند. لذا باید‌ها و نباید‌ها در این موضوع مطرح شد. در ۵ دهه اخیر ضرورت این مسئله بیشتر شده است و وقتی سران کشورهای صنعتی گرد هم آمدند مسئله محوری خود را بحران طبیعت و محیط زیست دانستند.

بحران محیط زیست و فلسفه

استاد دانشگاه تهران با بیان اینکه این مسئله علاوه بر بُعد زیستی، به موضوعی فلسفی برای تعامل انسان با طبیعت تبدیل شد، افزود: این باید‌ها و نباید‌ها براساس یکسری پیش فرضها شکل می‌گیرد و منبع مشروعیت و مقبولیت باید‌ها و نباید‌ها چیست؟ ما چه معیاری داریم که برای همه قابل مطالبه باشد؟ در جواب به این پرسش‌ها اردوگاه‌های فکری مختلفی وجود دارند، یک اردوگاه، پایه باید‌ها و نباید‌ها را بر نگرشی استوار می‌کند که طبیعت از آن جهت که طبیعت است متعلق احکام باید و نباید، قرار می‌گیرد که به آن طبیعت محور گویند.

بهشتی تصریح کرد: مهمترین افراد مدافع این بحث، هانس یوناس بود که کتاب اصل مسئولیت را در این باره نوشت. علوم بی‌محابا وارد عرصه دگرگونی جهان شد و هیچ نپرسید هر کاری که می‌توان کرد آیا باید کرد؟ البته در عرصه طب در دهه‌هایی این حساسیت وجود داشته، چون عمدتاً مخاطب آن انسان بوده است. همچنین هر جایی که انسان می‌خواست وارد این مباحث شود، خود را به عنوان محور عالم تلقی کرده و تافته جدا بافته طبیعت دانسته است.

بهشتی با بیان اینکه دانش اخلاق تاکنون متوجه اینجا و اکنون در عرصه تکنیک و علم بوده و نگاهی به آینده نداشته است، گفت:

حصر در این دو مفهوم انسان را به جایی برده که نمی دانیم مواجهه علمی ما چه پیامدی برای اصل وجودی انسان و آینده بشر خواهد داشت. موضوع این است که با آنچه در پشت سر داریم جز از طریق قائل شدن به طبیعت به عنوان متعلق فعل اخلاقی راه دیگری هم داریم؟ اردوگاه دیگر این است که طبیعت کیست که در برابر آن موضع بگیریم. در نگاه کانتی، طبیعت بدون نگاه انسان، طبیعت نیست. ما در بیرون با اشیاء و موجودات روبه رو هستیم و طبیعت ایده است و خود طبیعت مرجع و متعلق باید و نباید شناخته نمی شود و اگر قرار است باید و نبایدی برای طبیعت شکل بگیرد، انسان می تواند این مطالبه را تنظیم کند.